یادداشت میهمان

این باب بسته است

۱- براساس سخنان رهبر معظم انقلاب«باب مذاکره با آمریکا» در هر سطحی و درباره هر موضوعی بســـته شد و مدعیان غربگرا که آمریکا را کدخدای جهان می‌دانند، باید بدانند از امروز «باب اقدام و باب مقاومت» که سیاست قطعی نظام و ملت ایران است به‌روی دولت و مسئولان کشور گشوده شده اســـت. و قطعا این بسته شدن باب مذاکره با آمریکا از روی حکمت و گشوده شدن باب اقدام و مقاومت هم هرچند از قبل بروی ملت ایران باز بود، از روی رحمت خداوند است که بشارت دهنده پیروزی ملت ایران و شکست آمریکاست. رهبرمعظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام با بیان اینکه «آدم احساس می‌کند بعضی‌ها از این هیبت ظاهری و هیاهوی آمریکا جا می‌زنند و وحشـــت می‌کنند»، انذار دادند «هیچ کس از هیبت ظاهری آمریکا نباید بترسد، هیچ کس!». ایشان با تاکید براینکه «تا وقتی آمریکا به تعبیر امام آدم نشده مذاکره ما و آمریکا سَمِ است، و با این دولت کنونی آمریکا، یک سَمّ مضاعف است». گزینه قطعی ملّت ایران را «مقاومت در مقابل آمریکا» اعلام کردند. ایشان در مرداد سال گذشته هم در دیدار اقشار مردم تذکر داده بودند «اگر بر فرض محال قرار بود دولت جمهوری اسلامی با رژیم آمریکا مذاکره بکند، با این دولت کنونی آمریکا هرگز مذاکره نمی‌کرد». با توجه به این مواضع و سیاستهای رهبری نظام، همه در مقابل «شدیدترین تحریمها در طول تاریخ» که آمریکا علیه ما اعمال کرده، باید به دنبال «سخت‌ترین شکست در طول تاریخ برای آمریکا» باشیم نه اینکه بدنبال مذاکره و گرفتن «بزرگ‌ترین تضمین در طول تاریخ» از آمریکا باشیم که مثل آب خوردن زیر آن می‌زند!. رهبرمعظم انقلاب سال گذشته نیز در دیدار هیئتِ دولت فرموده بودند که:«برجام هدفی نیست که ما لازم باشد این را حتماً حفظ کنیم؛ چنانچه به این نتیجه رسیدید که برجام نمی‌تواند منافع ملّی را تأمین بکند، برجام را بگذارید کنار، هیچ اهمّیّتی ندارد.»

۲- هرچنـــد به هزاران دلیل و ادله منطقی و عقلانی در چند ســـال گذشته گفته شده که برجام منافع و امنیت ملی ما را تامین نمی‌کند و خود مذاکره‌کنندگان نیز به آن اذعان کرده‌اند، اما متاسفانه دولت خیلی دیر به این نتیجه و جمع‌بندی رسید که برجام منافع ملی را تامین نکرده و نمی‌کند و اقدام دولت در برداشتن یک گام در جهت خروج از برجام فی نفسه اذعان به‌اشتباه بودن مسیر گذشته در مذاکرات هسته‌ای و امضای برجام بوده است. اما سؤال این است: چرا دولت اکنون که به این نتیجه رسیده منافع ملی کشور با برجام تامین نمی‌شود، براساس فرمایش رهبرمعظم انقلاب برجام را کنار نمی‌گذارد؟ و چه شرایطی موجب شده تا دولت به جای کنار گذاشتن برجام، تصمیـــم به اقدام دیرهنگام و کم اهمیت، آن‌هم گام به گام بگیرد؟ در این خصوص باید گفت اولا همان‌گونه که تاکنون به هشدارها و تذکرات و شروط نه گانه رهبری عمل نکردند و موجب تحمیل هزینه‌ها و خسارات فراوان بر کشور شدند، اکنون نیز اگر به این فرمایش رهبری عمل نکنند، هزینه‌های بیشتری بر مردم و کشور تحمیل خواهند کرد. ثانیا با توجه به نتایج غیرقابل قبول برجام و بدتر شدن وضع اقتصادی مردم، فشار سیاسی- اجتماعی و نخبگان کشور برای خروج از برجام زیاد شده است و دولت در شرایطی قرار دارد که راهی جز این ندارد. اما سایه سنگین تفکر غربگرای حاکم بر دولت بـــه هیچ عنوان اجازه خروج از برجام را به دولت نمی‌دهد و به همان دلیل که توافق به هر قیمتی را امضا کردند، تلاش دارند برجام را نیز به هر قیمتی حفظ کنند. دادن مهلت بیشتر به دشمنان پیام انفعال را ارسال کرد و هم در حاشیه آن سیگنال بازی مذاکره مجدد را فرستاد. ثالثا متاسفانه تصمیم گیران اصلی سیاست خارجی در دولت تحت تاثیر تفکرات نفوذیها دچار تغییر و اشتباه محاسباتی شده‌اند و تصور می‌کنند این اقدامات جمهوری اسلامی است که موجب تنش می‌شود! و براساس این تفکر غلط مدعی‌اند می‌خواهند با این اقدام گام به گام، تنش زدایی کنند!. اما از درک این موضوع ناتوانند که تنش‌زدایی با کشوری که ماهیتاً و ذاتاً در اهداف و سیاستهایش تنش زا است و جز از طریق تنش‌زایی و درگیری نمی‌تواند به اهداف خبیثانه و سیاســـتهای زیاده خواهانه‌اش برسد، معنا ندارد و مدعی چنین تفکری کمترین فهمی از روابط بین‌الملل و حاکمیت نظام سلطه ندارد. عربستان بغل گوش ما برای مدعیان چنین تفکری اگر مختصر عقلانیت سیاسی داشته باشند، می‌تواند نمونه عبرت آموزی باشد. تنش‌زدایی در فرهنگ آمریکا به معنی ایجاد روابطی مثل روابط با عربستان به‌عنوان گاو شیرده است که هرچه به او توهین شود و منابع و ثروتش توسط آمریکایی‌ها غارت شود، جرات حتی یک واکنش دیپلماتیک و سیاسی نمایشی برای حفظ ظاهری آبروی خود را هم نداشته باشد. آیا نتیجه «سیاست تنش‌زدایی» دولت‌های اصلاحات و ســـازندگی و اکنون دولت آقای روحانی در برجام چیزی جز فراهم کردن «فرصت بیشـــتر برای تنش‌زایی» طرف مقابل به دلیل اینکه تنشهای بین آمریکا و ایران واقعی و استراتژیک هستند، در پی داشته است؟ لذا رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با کدامین منطق سیاسی و دیپلماتیک در توئیتی فارسی- انگلیسی ادعا می‌کند تنشهای بین ایران و آمریکا «مصنوعی» اســـت و در شرایط فعلی راه تنش زدایی مذاکره با آمریکاست؟! رابعا دولت و تیم وزارت خارجه که تاکنون امیدوار به روی کار آمدن تیم دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا بودند، مجددا در تحلیلی غلط اندرغلط‌تر اکنون به این تحلیل رسیده‌اند که به احتمال قوی ترامپ بدلیل بهبود موقتی اقتصادی آمریکا، در دور دوم نیز رئیس‌جمهور خواهد بود و از روی کارآمدن دموکراتها ناامید شدند. لذا به نظر می‌رسد به این جمع‌بندی رسیده‌اند که جان بولتون و مایک پمپئو را دور بزنند و مستقیما باب گفت‌وگو با ترامپ را بگشایند.

۳- متاسفانه در اقدام متقابل دولت سه عامل مهم موفقیت هرگونه آرایش جنگی در هر نبردی، یکی غافلگیرکننده بودن، دوم سریع و برق آسا بودن و سوم پیشدستانه بودن، هیچ‌کدام رعایت نشد و به مرور با اقدامات و مواضع خنثی کننده طرف مقابل روبرو شده و می‌شود!. وقتی در هر صحنه نبردی یک طرف آرایش جنگی به خود می‌گیرد، به هیچ عنوان اقدامات بازدارنده و دفاعی و تهاجمی خود را نه برای طرف مقابل رو می‌کند و نه به دشمن فرصت می‌دهد آرایش جنگی متناسب بگیرد و آتش تهیه خود را تشدید کند.لذا فضاسازی درباره حضور ناوهای خلیج‌فارس و فرصت دو ماهه به اروپایی‌ها دقیقا دو مصداق این موضوع هستند که علاوه‌بر داشتن فرصت برای اتخاذ اقدام متقابل،فرصت فضاسازیهای رسانه‌ای را نیز برای هدایت افکارعمومی با امکانات فراوانی که در اختیار دارند، بدست آوردند.

۴- با توجه به آنچه که گفته شد مسئولان باید به چند نکته محوری توجه کنند. یک - براساس مواضع رهبری که فرمودند« مذاکره با دولت ترامپ سم مضاعف است»، اگر احتمال پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا به واقعیت بپیوندد و تا سال ۲۰۲۴ در قدرت باقی بماند، دولت آقای روحانی تا پایان مسئولیتش یعنی تا سال ۱۴۰۰ و همچنین دولت بعدی حداقل در دوره چهار ساله مسئولیتش باید پنبه مذاکره با آمریکا را از گوش خود بیرون کنند. دوم- این بحث در محافل رسمی آمریکا مطرح است که «اگر تحریمها بر ایران تاثیرگذار و نتیجه‌بخش بود، نیاز به اعمال تحریم جدید نبود. لذا سیاست نفتی آمریکا علیه ایران محکوم به شکست است» و براین اساس رهبرمعظم انقلاب تاکید می‌کنند «قطعا آمریکا شکست خواهد خورد». سوم- دیدیه بیلیون پژوهشگر موسسه روابط بین المللی و راهبردی فرانسه (ایریس) می‌گوید «اروپاییها می‌توانند نظر ایران را درباره برجام تامین کنند، اما نمی‌خواهند و اراده سیاسی لازم را ندارند و اینستکس نوزادی مرده به دنیا آمده است». براین اساس هرگونه فرصت دادن به اروپایی‌ها و مذاکره با آنها نیز بی‌نتیجه است.چهارم -فروکش کردن فشارهای رسانه‌ای- سیاسی آمریکایی در بازی القای جنگ، نشان داد که آمریکا پیام سخنان رهبرمعظم انقلاب در دیدار رمضانی مسئولان نظام و موضع قاطع نظام را به خوبی درک کرده اســـت. رییس جمهور آمریکا در جمع هوادارانش در فلوریدا ابتدا به بازی بودن اعزام ناو جنگی به خلیج‌فارس اذعان کرد و بلافاصله ناامیدی خود را از هرگونه مذاکرات با ایران نشان داد و گفت «امیدوار بودم بتوانم در زمانی که شاید هرگز رخ ندهد، احتمالا رخ نخواهد داد، بنشینم و با ایرانیها بر ســـر توافقی کار کنم»!. پمپئو هم در گفت‌وگو با شبکه سی ان بی سی اذعان می‌کند «ایران یک تهدید فعال برای منافع آمریکاست و برای همین می‌خواهیم با آنها مذاکره کنیم!». این یعنی آمریکا از قدرت تهدید کنندگی ایران ترسیده و آن را درک کرده است که نشان می‌دهد سیاست دفاعی و موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران بازدارنده بوده و باعث شده آمریکایی‌ها خود را مجبور به مذاکره ببینند، نه جنگ و رسما و علنا پیام بدهند ما خواستار جنگ نیستیم!. واکنون با این موضع آمریکایی‌ها و در مقابل موضع قاطع رهبرمعظم انقلاب، برای همگان روشـــن شد که «نه آمریکا با ایران جنگ می‌کند و نه جمهوری اسلامی با آمریکا مذاکره می‌کند». پنجم -با توجه به اینکه دولت امکانات و اختیارات کافی و حتی فراقانونی از طریق جلسه هماهنگی سران سه قوه را دارد، باید سیاست «صبر استراتژیک» خود به امید گشوده شدن «باب المذاکره» را از طریق «باب المقاومه» به «اقدام استراتژیک»، چه در سیاست داخلی برای دنبال کردن رونق تولید و خودکفایی و چه در سیاست خارجی برای شکست تاریخی آمریکا و فراهم کردن زمینه جهش اقتصادی کشور در آینده تبدیل کند.

دکتر محمدحسین محترم

گزارش کیهان از اظهارات عجیب بعیدی‌نژاد

آقای سفیر! وظیفه شما هشدار به اروپاست نه ارسال پیام ضعف!

سرویس سیاسی- سفیر ایران در انگلیس در اظهارنظری عجیب گفت:«اقدامات پس از ضرب‌الاجل ۶۰ روزه‌مان به اروپا، در چارچوب برجام خواهد بود». این اظهارنظر نسنجیده، این پالس را به طرف اروپایی می‌دهد که ضرب‌الاجل ایران را جدی نگیرید، لازم نیست تعهدات خود را انجام دهید، خیالتان راحت ما در برجام می‌مانیم!

به گزارش ایسنا،حمید بعیدی‌نژاد، عضو سابق تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای و سفیر فعلی ایران در انگلیس در مصاحبه با رادیو بی‌بی‌سی در پاسخ به این سؤال که چرا ایران یک ضرب‌الاجل ۶۰ روزه برای شرکای اروپایی برجام قائل شده است گفت: ایران تا کنون وفادارانه به تعهدات برجامی خود عمل کرده است و تنها انتظارمان این بوده است که اعضای دیگر برجام نیز به سهم خود به تعهداتشان [در چارچوب برجام] عمل کنند. متأسفانه این به اعتبار توافق هسته‌ای آسیب وارد کرده است.

بعیدی‌نژاد در ادامه در اظهارنظری عجیب در پاسخ به این سؤال که «آیا ایران در صورت انجام نشدن کاری از سوی شرکای اروپایی برجام در فرصت تعیین شده از سوی ایران به غنی‌سازی اورانیوم ادامه خواهد داد یا نه» گفت: بله ما اقداماتی را انجام داده‌ایم تا اگر این بازه دو ماهه به‌گونه‌ای مناسب برای حل کردن مسئله به قدر کفایت نتیجه‌بخش نباشد، ما اقدامات بعدی خود را انجام خواهیم داد که به شما اطمینان می‌دهم این اقدامات در چارچوب برجام هستند.

این اظهارنظر تأمل برانگیز سفیر ایران در انگلیس از چند منظر قابل بررسی است.

اول اینکه هرچند که اقدام دولت ایران در اعلام ضرب‌الاجل ۶۰ روزه، اقدامی حداقلی و دیرهنگام بود اما همین اقدام که نشانه‌ای از تغییر رویکرد انفعالی به رویکرد مقتدرانه بود، طرف غربی را به تکاپو واداشت. اما متاسفانه برخی از مقامات ارشد دولت و وزارت امور خارجه با اظهارات نسنجیده در پی بی‌تاثیر کردن این ضرب‌الاجل هستند.

ترغیب اروپا به عهدشکنی!

دوم اینکه، فلسفه اصلی اقدام متقابل، تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل و وادار کردن آن به عقب‌نشینی و یا حداقل منصرف کردن آن از زیاده‌خواهی‌های بیشتر است. حال اظهارنظرهایی مشابه اظهارات نسنجیده آقای سفیر، این پالس را به طرف اروپایی می‌دهد که ضرب‌الاجل ایران را جدی نگیرید، لازم نیست تعهدات خود را انجام دهید، خیالتان راحت ما در برجام می‌مانیم! شما به عهدشکنی خود ادامه بدهید!

سوم اینکه، در روزهای گذشته «تاتالی توچی» مشاور فدریکا موگرینی در مصاحبه با شبکه رادیویی بی‌بی‌سی با اشاره به ضرب‌الاجل ۶۰ روزه ایران گفته بود: «۱۲۰روز برای اثبات پایبندی به برجام زمان نیاز داریم». این اظهارنظر تأمل‌برانگیز در حالی بیان شد که طرف اروپایی در یکسال اخیر- پس از خروج آمریکا از برجام- به هیچ عنوان به تعهدات برجامی خود عمل نکرده بود و حالا با گستاخی همچنان در پی خرید زمان است و گویا مشکلش فقط ۶۰ روز است!

بازی در پازل اروپا!

چهارم اینکه، اروپایی‌ها با ترفندهای مختلف در پی آن هستند تا ضرب‌الاجل ایران را نمایشی و سمبلیک نشان دهند تا از این طریق بر فشار و گستاخی خود بیفزایند. با عرض تأسف اظهارات آقای بعیدی‌نژاد دقیقا بازی در پازل ضدایرانی اروپاست.

پنجم اینکه، چندی پیش «علی ماجدی» سفیر سابق ایران در آلمان در اظهارنظری تأمل برانگیز ادعاهای واهی برخی کشورهای اروپایی مبنی بر دست داشتن ایران در اقدامات تروریستی در اروپا را تأیید کرد. سفرای ایران در کشورهای اتریش و بلژیک نیز تاکنون به هیچ عنوان کارنامه قابل قبولی در موضوع بازداشت آقای «سـدالله اسدی»- دیپلمات سفارت ایران در اتریش که تابستان سال گذشته در اقدامی غیرقانونی در آلمان بازداشت و سپس به بلژیک مسترد شد- نداشته‌اند. سفرای ایران در فرانسه و هلند نیز تاکنون رویکرد تأمل برانگیزی داشته‌اند.

متاسفانه سفرای ایران در کشورهای اروپایی در چند سال اخیر اقدامات و اظهارات قابل تأملی داشته‌اند و وزارت امور خارجه می‌بایست درباره این رویکرد نگران‌کننده پاسخگو باشد.

کدخدایی: ۱۰ ابهام، چهار خلاف شرع و مواردی خلاف قانون در طرح استانی شدن انتخابات دیده شد

سخنگوی شورای نگهبان می‌گوید کاهش مشارکت مردم، عدم رعایت حقوق نامزدها و شهروندان از ایرادات شـــورای نگهبان به اســـتانی شدن انتخابات اســـت علاوه بر این عدالت انتخاباتی هم رعایت نشده است.

عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان دیروز در نشست خبری از ارسال ایرادات شورای نگهبان به طرح استانی شدن انتخابات به مجلس خبر داد. وی با بیان اینکه شـورای نگهبان مخالف استانی شدن انتخابات نیست، گفت: کاهش مشارکت مردم، عدم رعایت حقوق نامزدها و شـهروندان از ایرادات شورای نگهبان به استانی شدن انتخابات است علاوه بر این عدالت انتخاباتی هم رعایت نشده است.

کدخدایی گفت: طرح اصلاح قانون انتخابات طبق قانون، اشکالات و ایراداتی را از جهـت قانون اساسـی داشـت و ابهامات متعددی نیز وجود داشـت به دلیل اینکه متن مصوبه گویا نیسـت و مقصود قانونگذار روشـن نیست. بیش از ۱۰ مـورد ابهـام در این طرح وجود داشت، چهار مورد مصوبات مجلس در این موضوع خلاف شرع و مواردی خلاف قانون اساسی تشخیص داده شد. نتیجه نهایی بررسی این طرح به مجلس ارسال خواهد شد.

کدخدایی با تأکید بر اینکه شورای نگهبان با نفس استانی شدن انتخابات مشـکلی ندارد، گفـت: روش‌هایی که برای اسـتانی شـدن انتخابات در نظر گرفته شده، ناقض حقوق شهروندان و مردم است.

سخنگوی شورای نگهبان ادامه داد: کاهش مشارکت مردم و نادیده گرفتن حقوق نامزدها با توجه به تفکیکی که بین حوزه‌های اصلی و فرعی شده، از ایرادات شورای نگهبان به استانی شدن انتخابات مجلس است همچنین در موضوع عدالت انتخاباتی که در سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری مورد تأکید قرار گرفته، در این طرح تأمین و رعایت نشده است.

کدخدایی افزود: ایراد اصل پانزدهم قانون اساسی مبنی بر استفاده از واژه‌های غیرفارسی مانند «پلاکارد» و «ایده» نیز از ایرادات شورای نگهبان به این طرح بود.

سخنگوی شورای نگهبان تصریح کـرد: در ماده ۳۱ طـرح اصلاح قانون انتخابات که اصلاح ماده ۵۹ را مد نظر قرار داده اسـت، مربوط به ممنوعیت مطلق فعالیت انتخاباتی کارکنان دولت در سـاعات غیر اداری اسـت. در حال حاضر این ممنوعیت در ساعات اداری وجود دارد و فعالیت مسئولان و مدیران در جای دیگری آمده است.

وی تأکیـد کـرد: ممنوعیـت فعالیت‌هـای انتخاباتـی و تبلیغاتـی کارکنان دولت در غیر سـاعات اداری مورد ایراد بود.

کدخدایی گفت: در مورد اقلیت‌های دینی که در کشور حضور دارند، ابهامی وجود داشـت. در جایی اشاره شده از تعریف و روشـی که ثبت‌نام به صورت انفرادی و گروهی است، اقدام کنند اما در ماده دیگری آنها مسـتثنی شده‌اند بنابراین ابهامی در این ماده وجود دارد که می‌تواند ناقـض حقوق اقلیت‌های دینی باشد که اصلاح خواهد شد.

سخنگوی شـورای نگهبان بیان کرد: در مواردی به فعالیت‌های احزاب، گروه‌ها و جبهه‌ها اشـاره شده است اما احکام آنها برابر نیسـت و یا به صورت مشخص، روشن نشده است که آیا وقتی که گروه‌های سیاسـی را یاد می‌کنند، مقصودشـان احزاب است یا بالعکس؟ اینها باید به خوبی روشـن شود تا در اجرا با اشکالی مواجه نشویم.

وی گفت: در مـاده ۳۷، قانونگذار درصدد بوده اسـت که تخریب نامزدها را ممنـوع کند امـا درواقع ممنوعیت مطلق نقـد را آوردند. به عبارت دیگر، رسانه‌های رسـمی هیچ‌گونه نقدی را نسبت به نامزدها نمی‌توانند انجام دهند؛ بنابراین سوال شده است که آیا منظور از نقد، نقد مطلق افراد است یا مواردی که منجر به دروغ و استهزاء است لذا به نظر ما این بند ناقض حقوق شهروندان و رسانه‌ها است.

کدخدایی در پاسـخ به سـؤالی مبنـی بر اینکـه در چه صـورت این قانـون در انتخابات آینده مبنای عمل خواهـد گرفت؟ افـزود: این اصلاحات باید تشریفات خاص خود را طی کند. درصدد نیستم که این زمان‌بندی را به صورت قطعی اعلام کنم. دوستانمان در وزارت کشور و مجلس باید این موضوع را اعلام کنند.

خبر ویژه

از تیتر «هرچه تهران بگوید» تا اعتراف به همراهی اروپا با آمریکا

یک روزنامه زنجیره‌ای بزک‌کننده اروپا اکنون اذعان می‌کند که اروپایی‌ها دنبال بستن با آمریکا هستند و نه کنارآمدن با ایران و اجرای برجام.

آفتاب یزد سال گذشته تیتر غلطانداز «هرچه تهران بگوید» را با انتشار تصویری بزرگ از موگرینی منتشر کرده بود. اما اکنون در یادداشتی با عنوان «نشستی برای کنار آمدن با آمریکا» می‌نویسد: نشست اخیر وزرای خارجه اروپا در بروکسل درباره ایران و برجام یک میهمان ناخوانده به‌نام مایک پامپئو داشـت؛ هرچند در رسانه‌ها گفته می‌شود که اروپایی‌ها یا فدریکا موگرینی با او سرد برخورد کرده‌اند. به‌نظر می‌آید اروپایی‌ها اگرچه همچنان در لفاظی مسـائلی را به نفع ایران و علیه آمریکا مطرح می‌کنند اما در واقعیت و در عمل به سمت مواضع آمریکا میل کرده‌اند. اولتیماتوم اخیر ایران شاید باعث این تغییر مسیر اروپایی‌ها شده است.

از سویی شایعاتی مبنی بر این موضوع منتشر می‌شود که ایران برای ماندن در برجام اعلام کرده که باید یک‌میلیون و نیم بشکه نفت بتواند صادر کند و از سویی نیز طرف اروپایی هم بارها گفته است که اگر ایران از برجام بیرون بیاید دچار مشکل می‌شود. این شایعات و نگاه‌ها هرچند از سوی تهران تکذیب شده اما فاصله ایران و اروپا را بیشتر کرده است. دیدار لاوروف و پامپئو نیز یکی دیگر از تلاش‌های آمریکا برای اجماع علیه ایران است. از طرفی همه اینها همزمان با انفجار فجیره و همین‌طور حملات یمنی‌ها به نیروگاه پمپاژ نفت عربستان بوده است. با توجه به موضع‌گیری‌هایی که وزرای خارجه آلمان، فرانسه و موگرینی در بروکسل داشته‌اند مشخص است که آنها می‌خواهند از ایران امتیازاتی بگیرند. و از طرفی به نظر می‌آید نشست بروکسل بیش از آنکه برای حل مشکلات با ایران باشد تبدیل به نشستی شد برای اینکه بررسی شود آیا اروپا می‌تواند با آمریکا کنار بیاید یا خیر؟

اوباما بیش از ترامپ دشمنی کرد اما با دستکش مخملین

کاسبان ترس درباره اوباما دروغ می‌گویند؛ او برخلاف تظاهر، بیشترین دشمنی را با ایران کرد.

روزنامه فرهیختگان در یادداشتی نوشت: تصور یا دست کم پرسشی در بخشی از افکار عمومی و بیش از آن در دسته‌ای از سیاسیون در ایران وجود دارد که اوباما برای ایران به مراتب بهتر از ترامپ بود و مصائب و مشـکلات اساسـی برای ایران و اقتصادش از آنجا آغاز شد که اوباما دموکرات جای خود را به جمهوری‌خواهی چون ترامپ در حکمرانی ایالات متحده داد.

اما این تصور تا چه میزان به واقعیت نزدیک است؟ جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی سال ۵۷، هفت رئیس‌جمهور را در آمریکا- از کارتر تا ترامپ- تجربه کرده اسـت؛ در این ۴۰ سـال پس از انقلاب، ایران ۲۲ سـال را با رؤسای جمهور جمهوری‌خواه (ریگان، بوش پدر، بوش پسـر و ترامپ) و ۱۸ سال را با دموکرات‌ها (کارتر، بیل کلینتون و اوباما) سپری کرده است و دور از واقعیت نیست که در میان تمام این رؤسای جمهور، باراک اوباما از نظر لحن و ادبیات و نحوه تخاطب با دولت و مردم ایران در ظاهر نرم‌تر و ملایم‌تر از بقیه نشان داده است. اوباما در همان نطق افتتاحیه دولتش در بیستم ژانویه ۲۰۰۹ به ایران گفت که «ما دستمان را به سوی شما دراز خواهیم کرد» و پس از آن نیز بارها با پیام نوروزی سعی داشت با مردم و حکومت ایران صحبت کند؛ او برخلاف اسلافش جمهوری اسلامی را با نام رسمی‌اش خطاب قرار می‌داد و تأکید می‌کرد: به تعاملی با ایران که بر پایه «صداقت و احترام متقابل استوار باشد»، متعهد است. این مصادیق مربوط به ظواهر کار است، اما آیا در باطن و در واقعیت میدان نیز وضعیت به همین زیبایی و ملایمت بود.

تحریم‌ها، فاکتور برجسته و تعیین کننده‌ای در داوری مردم و دولتمردان ایران نسبت به آمریکاست. اما آیا اوباما در موضوع تحریم‌ها با ایران ملایم‌تر و مهربانانه‌تر از ترامپ رفتار کرده است؟ اولاً از نظر کمیت تحریم‌ها، میان هفت رئیس‌جمهور آمریکا در دوران پس از انقلاب اسلامی، اوباما بیشترین تحریم‌ها را بر ضد ایران اعمال کرده است. این بررسی حاکی از این است که نزدیک به ۴۰ درصد از تحریم‌ها علیه ایران پس از انقلاب اسلامی توسط اوباما وضع شده است.

امـا از نظر کیفیت تحریم‌ها، مسـئله از این هم جدی‌تر اسـت؛ تحقیقاً هیچ تحریمی از ناحیه ترامپ علیه ایران اعمال نشده مگر آنکه ساختار و سازمان اصلی این تحریم توسط اوباما معماری شده است. در واقع ترامپ «تمدیدگر» تحریم‌هایی اسـت که اوباما ساختار آنها را پایه‌گذاری کرد و هیچ گاه با برجام این ساختار را به هم نزد. دیوید کوهن، وزیر خزانه‌داری وقت آمریکا در دوران مذاکرات هسته‌ای در گزارش‌های متعددی به سنای آمریکا تأکید می‌کرد، آمریکا ساختار تحریم‌ها را برای ادامه فشارهای تحریمی در آینده حفظ کرده است. مثلاً تحریم‌های مربوط به نفت و همچنین بانکی که این روزها محل بحث و گفت‌وگوها و کشـمکش‌های فراوانی شده، همان تحریمی است که دولت اوباما با پیگیری‌های گسترده در قالب قطعنامه ۱۹۲۹ در شورای امنیت سازمان ملل تصویب و پس از آن ذیل فرمان اجرایی رئیس جمهور چیزهایی به آن اضافه و حتی اروپا را نیز در این زمینه با خود همراه کرد.

این حکم درباره قریب به اتفاق دیگر تحریم‌های دولت جدید آمریکا نیز صادق اسـت؛ مثلاً قانون تحریمی معروف به منع صدور ویزا که در ماه‌های ابتدایی دولت ترامپ علیه ایران به کار گرفته شد، قانونی بود که معماری و پایه‌گذاری آن در دولت اوباما انجام شده بود و همین مسئله درباره قوانین تحریمی دیگر مانند مشخص کردن سپاه به عنوان یک گروه تروریستی و قوانین دیگر صادق است.

هـر چند ظواهر از برخی تفاوت‌ها در میـان اوباما و ترامپ در مواجهه با ایران حکایت می‌کند، اما واقعیات میدانی و استراتژی‌های مدونی که براساس آن اقدامات آمریکا تنظیم می‌شود، نشان می‌دهد هیچ تفاوت مبنایی میان اینها نیست و تفاوت فقط آنجاست که رویکرد اوباما در قبال ایران از پیچیدگی‌ها و ظرافت‌هایی در عرصه ذهن برخوردار بود که می‌توانست حتی تهدید فردی مانند او را برای ایران تشدید کند.

چرا مدعی‌العموم اسناد منتشره علیه برخی مدیران را پیگیری نمی‌کند؟

تبرئه افراد مورد شکایت دولت در دادگاه این پرسش را پیش می‌کشد که چرا مدعی‌العموم پیگیر اسناد منتشر شده علیه خود این دولتمردان نمی‌شود؟!

جهان‌نیوز نوشـت: در کنار اخبار مهم سیاسـت خارجـی و اقتصادی، برخی اخبار قابل تأمل دیگر هم وجود دارد که در حاشیه اخبار می‌ماند. این اتفاق جالب توجه، تبرئه برخی از افرادی اسـت که پاستورنشینان و نزدیکان دولتمردان از آنها به سبب ادعایی که در فضای مجازی و رسانه‌ای داشتند شکایت کردند. تبرئه این افراد، به‌خاطر اسناد متقنی است که به دادگاه ارائه کرده‌اند و قاضی به دلیل اتقان و درستی اسناد و مدارک ارائه شده، لاجرم به این نتیجه رسیده که حکم بی‌گناهی و تبرئه این افراد را صادر کند.

اما این موارد حقوقی و اتهامی چه بود و چه کسانی در چه حوزه‌هایی کارشان به دادگاه رسیده است؟

اسـامی چند نفر از افراد تبرئه شـده و دلیل شکایت از آنها به شرح زیر است: «علیرضا زاکانی» نماینده ادوار گذشته مجلس بود که بابت اتهاماتی که به اطرافیان رئیس جمهور زده بود به دادگاه رفت و تبرئه شد. فرد دیگری که از اتهامات مربوط به یکی از نزدیکان دولت تبرئه شـد، «احمد توکلی» رئیس هیئت مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت بود که طی نامه‌ای با عنوان «وزیر میلیاردی ویژه‌خوار را عزل کنید» از «اسحاق جهانگیری»، معاون اول رئیس جمهور درخواست کرده بود که وزیر وقت صنعت را به جرم رانت‌خواری برکنار کند.

هیئت منصفه مطبوعات در جریان رسیدگی به شکایت نعمت‌زاده وزیر سابق صنعت از دیده‌بان شـفافیت و عدالت، پس از شنیدن دفاعیات احمد توکلی وی را به اتفاق آرا مجرم نشـناخت. ماجرای شکایت‌های نزدیکان دولتمردان از برخی از سیاسیون و رسانه‌ها به همین‌جا ختم نمی‌شود. در همین رابطه، هفته‌نامه ۹ دی از شکایت ریاست جمهوری در موضوع سرقت علمی پایان‌نامه دکترای حسن روحانی تبرئه شـد. هفته‌نامه ۹ دی طی شش شـماره (۲۸۷ تا۲۹۳) در تاریخ ۱۵ مهر ۹۶ تا ۴ آذر ۹۶ گزارش‌های مسـتندی را با عنوان «گزارش یک سرقت علمی، بررسی علمی اسناد به دست آمده در موضوع دکتری حسن روحانی» که انعکاس گوشه‌ای از یافته‌های گروه بررسـی اصالت رساله دکتری آقای روحانی بود، منتشر کرد. این گزارش، حاصل تلاش جمعی از دانشجویان و دانش‌آموختگان برترین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و خلاصه‌ای از صدها ساعت کار کارشناسی با درنظر گرفتن «مسامحه‌آمیزترین» ملاک‌های سرقت علمی در فضای آکادمیک داخلی و خارجی بود.

سـوالی که در اذهان مردم مطرح می‌شـود این است که چرا وقتی این افراد با ارائه اسناد و مدارک درست و متقن در دادگاه، تبرئه می‌شوند، مدعی‌العموم جهت پیگیری این اسناد ورود نمی‌کند و از این مدارک تنها علیه متهمان بررسی می‌شود و به نوعی ناقص به اتمام می‌رسـد. این نوع پرونده‌ها با ادعایی که در آن صورت می گیرد از جمله پرونده‌های مرموز حقوقی کشور هستند که بعضاً منافع عموم را خدشه‌دار می‌کنند.

آقای خاتمی! به جای حرف زدن از فدرالیسم از فساد اطرافیان خود بگوئید

اظهارات چندی پیش سید محمد خاتمی درباره مطلوب بودن الگوی فدرالیسم برای ایران، با اعتراض یک استاد علوم سیاسی مواجه شد.

سید جواد طباطبایی که پیش از این از روحانی در جشنواره فارابی جایزه گرفته، در واکنش به سخنان خاتمی نوشت: من نیز مانند بسیاران دیگری سخنان آقای محمد خاتمی، رئیس جمهور اسبق، درباره مطلوب بودن الگوی فدرالیسم برای ایران را، که در جمع اعضای شورای شهر ایراد شده بود، با شگفتی فراوان در رسانه‌ها خواندم.

در آن سـخنان آمده بود: «مطلوب‌ترین شـیوه حکومت مردمی اداره فدرالی است». من درست نمی‌توانم بفهمم که چرا رئیس جمهور پیشین، که باید بداند که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد، خطاب به اعضای شورای شهر درباره مسائل کلان حاکمیتی کشور چنین مطلب مهمی را مطرح کرده است؟

آقای رئیس جمهور اسبق باید بداند که تصمیم‌گیری در چنین مواردی به هیچ وجه در صلاحیت اعضای شهر نیست که مردم برای اداره امور جاری شهر انتخاب می‌کنند و برحسب تعریف اگر صلاحیتی داشته باشند باید رسیدگی به امور جاری شهر باشـد و به این اعتبار، صلاحیتی برای مداخله در امور کشور ندارند. وانگهی، خود آقای رئیس جمهور اسبق چه صلاحیتی دارد که چنین بحث مهم حاکمیتی را با گروهی که آنها نیز در مواردی فاقد صلاحیت هستند در میان گذاشته است. با پایان دوره ریاست جمهوری رئیس جمهور نیز شهروندی بیش نیست و اگر نظری داشته باشد باید آن نظر را مستدل بیان کند و پاسخ بگیرد، اما بیان چنین مباحثی، در چنین سطح عامیانه‌ای، در مناسبت‌های سیاسی در شأن رجل سیاسی نیست.

وی می‌افزاید: من به این اعتبار اخیر این دو سه یادداشت را می‌نویسم تا یادآوری کنم که مصالح عالی کشور را فدای منافع گروهی که او رهبری آنان را بر عهده دارد و فساد و عدم کاردانی بسیاری از آنان به جایی رسیده که خود آقای خاتمی مجبور شده است اعتراف کند: «بعید است مردم با حرف ما در انتخابات آتی شرکت کنند». نکند! من اضافه می‌کنم: آقای خاتمی بعید نیست، حتمی است! شما به عنوان رهبر اصلاحات حتما شعارهای مردم را شنیده‌اید و این نکته را باید بفهمید که اصلاحات نیازمند نظریه‌ای برای افسادات است، یعنی باید دانسته باشید که در کجاها کار را خراب کرده‌اید، فسادهای اطرافیان شما کجاها و تا چه حدی بوده است؟ آنچه بعید می‌نماید این است که شما و اصلاح‌طلبان هنوز تصور درستی از بیراهه‌ای که رفته‌اید ندارید و برای جبران همین فقدان فهم درست است که هر بار برای گرفتن رأی مردم از مصالح عالی کشور مایه می‌گذارید و هر بار هم همان اشتباه‌های پیشین را مرتکب می‌شوید. جواد طباطبایی با بیان اینکه «اطمینان دارم به واقع متوجه نشده‌اید چه گفته‌اید و گفته‌های شما چه تالی‌های فاسدی می‌تواند داشته باشد»